



Non inhere of the bank transfer of funds with the acquittal from the obligation from the basic obligation In Iranian law and the model law of international credit transfer

Mohammad Salehi Mazandarani^{1*} | Farhad Bayat²

1. Corresponding Author, Privat Law Department, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: m.salehimazandarani@qom.ac.ir

2. Privat Law Department, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: Farhadbayat14@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received April 23, 2022

Revised September 07, 2022

Accepted October 10, 2022

Published online 26 June 2023

Keywords:

Bank money transfer,

Bank transfer,

Electronic transfer,

Bank transfer,

Original obligation.

ABSTRACT

Complete and correct implementation of the bank transfer process, with the aim of performing of obligation, although it removes the responsibility of the bank; However, it has no correlation to acquittal the debtor. The purpose of the research is to resolve legal ambiguities and loopholes, as well as the context of passing a comprehensive law in domestic law. And the research method is descriptive and analytical. The question is, how can the implementation of the bank transfer relieve the bank of its responsibility, yet it has no correlation to acquittal the debtor? In this study we will prove, in accordance with the principles and rules governing Iranian law, the International Law on Transfer of Credit, as well as the US Commercial Uniform Law and other international regulations and documents Non-liability of the bank is based on the principle of separation or independence of bank transfer of funds of the basic obligations, That is the bank's obligation is merely the correct execution of the payment order, and the legal issues surrounding the basic obligation for which the payment order was issued are not related to the bank; And the reason for the discharge between the realization of the bank transfer of funds and the discharge of the transferor is that the fulfillment of the obligation in the form of bank transfer of funds, in addition to the correct implementation of the transfer of funds, requires other conditions.

Cite this article: Salehi Mazandarani. M., Bayat, F. ,(2022). Non inhere of the bank transfer of funds with the acquittal from the obligation from the basic obligation In Iranian law and the model law of international credit transfer. *Private Law*.19 (2), 387-400. Doi: <http://doi.org/10.22059/JOLT.2022.342074.1007099>





انتشارات دانشگاه تهران

حقوق خصوصی

شاپا الکترونیکی: ۶۲۰۹-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jolt.ut.ac.ir>

عدم ملازمه انتقال بانکی وجه با برائت ذمه صادرکننده از تعهد پایه در حقوق ایران و قانون نمونه انتقال اعتبار بین‌المللی

محمد صالحی مازندرانی^{۱*} | فرهاد بیات^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: m.salehimazandarani@qom.ac.ir

۲. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: Farhadbayat14@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

کلیدواژه:

انتقال الکترونیکی،

انتقال بانکی،

انتقال بانکی وجه،

انتقال وجه،

تعهد پایه.

استناد: صالحی مازندرانی، محمد؛ بیات، فرهاد (۱۴۰۱). عدم ملازمه انتقال بانکی وجه با برائت ذمه صادرکننده از تعهد پایه در حقوق ایران و قانون نمونه انتقال اعتبار بین‌المللی. حقوق خصوصی، ۱۹ (۲) ۳۸۷-۴۰۰.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JOLT.2022.342074.1007099>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© محمد صالحی مازندرانی، فرهاد بیات.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JOLT.2022.342074.1007099>



مقدمه

امروزه رایج‌ترین ابزار پرداخت در سیستم ملی و بین‌المللی انتقال الکترونیکی و بانکی وجه است. در این زمینه دولت‌ها به تدوین قانون نمونه اقدام کرده‌اند که از جمله این قوانین تدوین قانون نمونه در خصوص انتقال‌های بین‌المللی اعتبار در سال ۱۹۹۲ بوده است.

انتقال در اصطلاح حقوقی ممکن است مادی و ناظر به جابه‌جا کردن اشیا از محلی به محل دیگر باشد یا حقوقی و ناظر به جابه‌جایی ملکیت مال و حقوق مالی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۷۲۰). انتقال اعتبار به معنای انتقال حقی مالی از انتقال‌دهنده به انتقال‌گیرنده است که به موجب آن ذی‌نفع می‌تواند مبلغ معین شده در دستور پرداخت را از بانک ذی‌نفع مطالبه کند (صالحی مازندرانی و بیات، ۱۳۹۳: ۳۵). در مجموع چنین به نظر می‌رسد که انتقال اعتبار نوعی انتقال وجه است که در آن حساب صادرکننده در بانک صادرکننده بدهکار و در مقابل حساب بانک مقصد یا مشتری او طلبکار می‌شود. به عبارت دیگر انتقال اعتبار نوعی انتقال وجه است که با دستور پرداخت انتقال‌دهنده آغاز می‌شود و با بستانکار شدن حساب ذی‌نفع خاتمه می‌یابد.

انتقال الکترونیکی اعتبار در تجارت بین‌الملل یک نوع مکانیسم پرداخت محسوب می‌شود (بناء نیاسری، ۱۳۸۹: ۲۶۴) و به منزله یک روش در کنار چهار روش در تجارت بین‌الملل برای پرداخت ثمن - یعنی پیش‌پرداخت، پرداخت وعده‌دار، وصول اسنادی، اعتبار اسنادی - قرار نمی‌گیرد؛ یعنی سازوکاری است که جابه‌جایی پول را در مقام پرداخت دین تسهیل می‌کند و به بدهکار امکان می‌دهد در مقام ایفای دین از جابه‌جایی پول و تسلیم فیزیکی پول به طلبکار بی‌نیاز شود (Geva, 1986: 4).

انتقال وجه در انتقال اعتبار بدین نحو است که صادرکننده فرایند انتقال اعتبار را با دستور پرداخت به بانک خود آغاز می‌کند و به موجب آن از بانک می‌خواهد، با انتقال اعتبار به بانک ذی‌نفع، مبلغ مورد نظر را به ذی‌نفع اعتبار پرداخت یا در حساب بانکی او منظور کند (Dodd, 1998: 28). حال، چنانچه این فرایند از طریق ابزارهای الکترونیکی صورت پذیرد، به آن انتقال الکترونیکی اعتبار گویند (صالحی مازندرانی و بیات، ۱۳۹۳: ۳۴).

انتقال بانکی وجه اصولاً وسیله‌ای برای پرداخت است و از رهگذر یک سیستم پرداخت محقق می‌شود و منظور از سیستم پرداخت^۱ زیرساخت‌های فناوری و قانونی است که انتقال ارزش را بین طرفین انتقال فراهم می‌کند (معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی-وزارت بازرگانی، ۱۳۸۴: ۵۸ - ۵۹).

به موجب بند ۱۱ ماده ۱ دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجه، مصوب ۱۳۸۵ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، «انتقال عبارت از فعالیت‌هایی است که بر اساس یک دستور پرداخت صورت می‌پذیرد تا حسب درخواست صادرکننده وجه در اختیار ذی‌نفع قرار گیرد». طبق راهنمای حقوق^۲ انتقال وجه عبارت است از «جابه‌جایی وجه از انتقال‌دهنده به انتقال‌گیرنده» (the secretariat of the United Nation commission on International Trad Law, 1987: 8) و بر اساس بند (a) ۱۰۴ ماده AA قانون متحدالشکل تجاری آمریکا «انتقال وجه مجموعه‌ای از تراکنش‌هایی^۳ است که با دستور پرداخت صادره توسط صادرکننده جهت پرداخت وجه مندرج در آن به ذی‌نفع آغاز می‌شود».

اصطلاح انتقال بانکی وجه شامل هر گونه دستور پرداخت صادره از سوی بانک صادرکننده یا بانک‌های واسطه جهت اجرای دستور پرداخت از سوی صادرکننده است. انتقال وجه با قبول دستور پرداخت از سوی بانک ذی‌نفع پایان می‌یابد. انتقال بانکی وجه در صورتی که از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات و به صورت الکترونیکی انجام پذیرد به آن انتقال الکترونیکی وجوه گویند (Alelio & Collins, 1996: 3; Brindle & Cox, 2004: 52). عبارت انتقال وجه^۴ اعم از انتقال اعتبار^۵ و انتقال دین^۶ است. چنانچه ذی‌نفع انتقال وجه تقاضای انتقال وجه را ارائه کند، به این انتقال انتقال دین گفته می‌شود؛ مانند انتقال وجه از طریق اسناد تجاری که ذی‌نفع با مراجعه به بانک تقاضا می‌کند به میزان وجه مندرج در چک از حساب صادرکننده کسر و به حساب وی واریز شود. در مقابل، چنانچه متقاضی و ارائه‌دهنده درخواست انتقال وجه شخص انتقال‌دهنده باشد، این انتقال وجه

1. payment mechanism

2. UNCITRAL Legal Guide on Electronic Fund Transfer

3. uniform commercial code (u.c.c)

4. fund transfer

5. credit transfer

6. debit transfer

انتقال اعتبار نامیده می‌شود که در رویه بانکی ایران به حواله بانکی مشهور است. قانون نمونه تنها انتقال اعتبار را بررسی کرده است و در عنوان خود به جای واژه «Fund» از «credit» استفاده کرده است تا «debit» را شامل نشود (the UNCITRAL Secretariat on the Model Law on International Credit Transfers, 1991: 7). در مقابل در راهنمای حقوقی از واژه (Fund) استفاده شده که هر دو را در بر گیرد. زیرا هدف راهنمای حقوقی بررسی آثار حقوقی تغییر انتقال کاغذی به الکترونیکی بود (the UNCITRAL Secretariat on the Model Law on International Credit Transfers, 1991: 8).

حال، این موضوع بررسی می‌شود که آیا صرف تحقق فرایند انتقال از سوی بانک صادرکننده ذمه صادرکننده بدهکار در برابر گیرنده بری می‌شود؟ به عبارت دیگر، شرایط براءة ذمه در انتقال بانکی وجه بررسی می‌شود تا روشن شود که علاوه بر شرایط عمومی صحت در هر عمل حقوقی، برای تحقق براءة ذمه نسبت به تعهد پایه، تحقق شرایط اختصاصی نیز ضروری است. گفتنی است موضوع پژوهش با عنوان انتخابی در حقوق داخلی فاقد هر گونه پیشینه پژوهشی است. با این حال در برخی پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه پرداخت‌های الکترونیکی بدان اشاره شده است؛ از قبیل حقوق پرداخت‌های بانکی اثر مصطفی‌السان، حواله‌های بانکی بین‌المللی اثر سید حسن عنایت، رساله دکتری حمید احمدی‌راد با نام «آثار حقوقی انتقال الکترونیک وجوه در ارتباط با مؤسسات مالی».

شرایط تحقق براءة ذمه

لزوم وجود دین

در صورت وجود رابطه دینی میان صادرکننده و ذی‌نفع یا لاقبل وجود طلبی که صادرکننده دستور پرداخت هدف ایفای آن از جانب ثالث را دارد، انتقال بانکی وجه با جمع سایر شرایط می‌تواند موجب وفای به عهد شود. در غیر این صورت، تحقق وفای به عهد سالبه به انتفای موضوع است. از مقدمه بیان‌شده می‌توان دریافت که در سقوط تعهد، بیش از آنکه اعتبار قرارداد انتقال بانکی وجه مهم باشد، تحقق مادی انتقال وجه مهم است. بنابراین زوال فرایند انتقال بانکی وجه در صورتی مانع تحقق ایفای دین و براءة ذمه است که انتقال وجه صورت نگیرد. وگرنه با بستنکار شدن حساب ذی‌نفع، اصولاً، ایفای دین صورت گرفته و اشتباه در فرایند بی‌تأثیر است؛ مگر اینکه تحقق براءة ذمه خلاف نظم عمومی باشد، مانند ورشکستگی صادرکننده. بنابراین اگر صادرکننده از دستور پرداخت خویش رجوع کند، لیکن بنا بر اشتباه متصدی بانک دستور پرداخت لغو شده اجرا شود، تعهد صادرکننده به ذی‌نفع ساقط خواهد شد.

برخی حقوقدانان که ماهیت ایفای دین را عمل حقوقی می‌دانند بر آن‌اند که سبب سقوط تعهد در این موارد تهاتر است، نه ایفای دین. زیرا، بنا بر این نظر، ایفای دین عمل حقوقی و عمل حقوقی مستلزم قصد انشا است و ایفاکننده قصد انشا نداشته است. لیکن چون همان مبلغ ایفاشده را ذی‌نفع بدهکار می‌شود، تعهد متقابل طرفین با یک‌دیگر تهاتر می‌شود (شهیدی ۱۳۹۰: ج ۵، ۲۱).

در حقوق انگلستان نیز این موضوع مطرح شده است که اگر صادرکننده دستور پرداخت پیش از اقدام بانک خود دستور پرداخت را به نحو صحیحی لغو کند و با وجود این بانک به اشتباه وجه را به حساب شخصی که صادرکننده به وی بدهکار است واریز کند، از یک سو دین صادرکننده در برابر ذی‌نفع ساقط می‌شود و از سوی دیگر بر اساس قاعده انصاف بانک را نمی‌توان پرداخت‌کننده ثالثی محسوب کرد که به صورت تبرعی دین صادرکننده را پرداخت کرده باشد. بنابراین در رویه قضایی انگلستان (Gronston & Ross, 2007: 250-251) بانک، به‌رغم لغو دستور پرداخت، پس از پرداخت، حق مراجعه به صادرکننده دستور پرداخت را خواهد داشت (السان، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

روشن است که وفای به عهد مستلزم وجود تعهد است و در این خصوص تردیدی وجود ندارد. منتها پاسخ این سؤال روشن نیست که آیا در هر پرداخت وجود دین مفروض است یا اینکه وجود دین باید اثبات شود. به عبارت دیگر، آیا وجود دین باید اثبات شود یا فقدان آن؟ مبنای اختلاف ریشه در تفسیرهای متفاوتی دارد که حقوقدانان از ماده ۲۶۵ ق.م. دارند. برخی حقوقدانان ماده ۲۶۵ را مشتمل بر دو قاعده دانسته‌اند و بر آن‌اند که منظور از عبارت «ظاهر در عدم تبرع است» یعنی «ظاهر در وفای به عهد

است» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ج ۴، ۷۵ - ۷۸؛ کاتوزیان، ۱۳۷۶: ج ۴، ۴۱۷؛ کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۵۹۰؛ کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۲۳۲). بنابراین اگر شخصی مبلغی را، بدون ذکر عنوان، به حساب دیگری واریز کند، این واریز وجه اصولاً ادای دین محسوب می‌شود. در مقابل، برخی دیگر بر این باورند که از ماده یادشده چنین اماره‌ای استنباط نمی‌شود و لزوم اثبات عدم مدیونیت اماره تصرف است که به نفع گیرنده وجه به دلیل استیلا بر مال ایجاد شده است و از آنجا که تصرف به عنوان مالکیت اماره مالکیت است استردادکننده که خلاف اماره فوق اظهار می‌کند باید دلیل ارائه کند؛ به این معنی که عدم مدیونیت خویش را با یک امر وجودی ملازم اثبات کند (شهیدی، ۱۳۹۰: ج ۴، ۲۲ - ۲۵؛ امامی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۳۷۱ - ۳۷۲).

مطابق دیدگاه یادشده، اگر در متن دستور پرداخت صادرکننده جهت انتقال وجه را قرض الحسنه ذکر کند ممکن است بتواند وجه پرداختی را مسترد کند. لیکن باید توجه داشت که ذکر جهت یادشده قرینه بسیار ضعیفی است. چون برخلاف چک، که در زمان تسلیم به رؤیت گیرنده آن می‌رسد و انتظار می‌رود که اگر جهت مندرج در چک صحیح نیست به آن اعتراض و از دریافت آن خودداری کند، در دستور پرداخت چنین وضعیتی وجود ندارد و جهت به نحو یک‌جانبه و بدون اطلاع گیرنده وجه ذکر می‌شود. رویه قضایی ایران در پرداخت از طریق اسناد تجاری اماره مدیونیت را پذیرفته است.^۱ لیکن پرداخت‌هایی که از طریق اسناد تجاری صورت نمی‌گیرد پراکنده و مضطرب است و آرای قضایی متعددی صادر شده است که حکم به نفع پرداخت‌کننده‌ای صادر شده که به ادعای قرض وجهی را از طریق انتقال بانکی وجه پرداخت کرده است و دادگاه، به استناد اصل عدم تبرع، گیرنده وجه را ملزم به استرداد وجه کرده است و ادعای وفای به عهد را محتاج دلیل دانسته است.^۲

رضایت طلبکار به پرداخت از طریق انتقال بانکی وجه

پول وسیله نهایی سقوط تعهدات پولی است. ایفای دین نه تنها از طریق پول امری پذیرفته شده و قانونی است اصولاً پذیرش آن از سوی طلبکار اجباری تلقی می‌شود (عبدی‌پور فرد، ۱۳۸۹: ۶۱). در مقابل، استفاده از ابزارهای جایگزین پول، نظیر چک و برات، اصولاً محتاج جلب رضایت طلبکار است. زیرا ابزارهای جایگزین پول همه خصوصیت پول را ندارند؛ از جمله اینکه با پرداخت پول طلبکار مالک آن می‌شود. زیرا پول دارای ارزش ذاتی است. درحالی که برخی از ابزارهای پرداخت جایگزین پول سند ذمه‌ای محسوب می‌شوند و تا زمانی که به پول تبدیل نشده‌اند چنین خصوصیتی ندارند. همچنین پول ابزاری قابل انتقال است و این ویژگی در همه ابزارهای جایگزین پول، از جمله دستور پرداخت، وجود ندارد (Brindle & Cox, 2004: 143). بنابراین ممکن است ایفای دین با استفاده از حواله بانکی و نحوه آن مستلزم رضایت طلبکار باشد. از آنجا که برائت ذمه در تعهدات پولی منوط به پرداخت پول یا در حکم آن، مانند چک بانکی، است تأدیه به طرق دیگر اصولاً مستلزم موافقت طلبکار است. بنابراین ممکن است وفای به عهد از طریق انتقال بانکی وجه نیز منوط به رضایت طلبکار شود و ایفای دین از این طریق نوعی پرداخت مشروط تلقی شود؛ بدین معنی که استفاده از آن مشروط به رضایت طلبکار شود.

وفای به عهد واقعاً حقوقی است و اصولاً رضایت یا عدم رضایت طلبکار در آن تأثیری ندارد و مطابق م. ۲۷۳ ق.م. چنانچه طلبکار از گرفتن ثمن معامله امتناع کند بدهکار می‌تواند با سپردن آن به حاکم یا قائم‌مقام او (که در رویه عملی، حسب مورد، صندوق سپرده دادگستری یا ثبت است) بری‌الذمه شود. اما، در وفای به عهد از طریق انتقال وجه این سؤال قابل طرح است که آیا پرداخت از این طریق مستلزم موافقت طلبکار است یا اینکه صرف واریز وجه به حساب بانکی طلبکار رافع مسئولیت بدهکار است؟ در برخی نظام‌های حقوقی، به امکان پرداخت بدهی از طریق انتقال بانکی وجه تصریح شده است. مثلاً مطابق بند ۱ م. (۱۱۶):

۶ قانون مدنی هلند ایفای تعهد از طریق انتقال بانکی وجه معتبر تلقی شده است (Craston & Ross, 2007: 240). بنابراین خلأ ناشی از سکوت طرفین، در خصوص امکان ایفای تعهد از طریق انتقال بانکی وجه، با قانون تکمیلی اخیرالذکر برطرف می‌شود و مطابق قاعده اصل بر امکان ایفای تعهد از طریق انتقال بانکی وجه است؛ مگر اینکه خلاف آن در قرارداد تصریح شده باشد.^۳

۱. رأی شماره ۳۱۱ شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۰۸ و رأی شماره ۳/۱۳۲۶ شعبه سوم دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۲۸/۰۷/۲۰.

۲. رأی شماره ۳۴۸ شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۷۳/۰۶/۳۰ و رأی شماره ۷۲۳ شعبه سوم دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۷۱/۱۱/۰۶.

3. Article 6: 114: "when the creditor has a bank account suitable for bank- giro payments in the country where the payment must our may be made, then the debtor may pay his debt by transferring the indebted amount to that bank account, unless the creditor has validity excluded a payment to that account".

در مقابل، در برخی نظام‌های حقوقی، نظیر انگلستان، اصل اولیه و بنیادین این است که تعهد پولی باید از طریق دادن وجه نقد ایفا شود؛ مگر اینکه طلبکار به طور صریح یا ضمنی از این حق عدول کند.^۱ البته ممکن است موافقت طلبکار از روابط سابق طرفین یا به طور ضمنی از اوضاع و احوال حاکم بر رابطه ایشان استنباط شود (Craston & Ross, 2007: 241).

در مقررات حقوقی ایران، در خصوص امکان ایفای تعهد از طریق انتقال بانکی وجه مقررهای وضع نشده است. بنابراین ممکن است دو نظر عمده مطرح شود: نظر اول آنکه پرداخت دین از طریق انتقال بانکی وجه منوط به رضایت طلبکار است و نظر دوم اینکه چنین پرداختی محتاج رضایت طلبکار نیست. درباره اثبات نظر اول ممکن است گفته شود در تعهدات پولی تعهد زمانی ایفا شده محسوب می‌شود که جهت ادای دین از وجه نقد استفاده شود (السان، ۱۳۹۰: ۹۰). در غیر این صورت، استفاده از دیگر شیوه‌ها مستلزم رضایت طلبکار است. نمونه بارز این موضوع ایفای دین از طریق اسناد تجاری است که به موجب نظر غالب حقوقدانان اصولاً متعهد نمی‌تواند بدون رضایت متعهدله او را مجبور به پذیرش سند تجاری کند. حتی، در فرض پذیرش سند تجاری از سوی متعهدله، غالب حقوقدانان صرف تسلیم سند تجاری را به معنای پرداخت دین نمی‌دانند (شهیدی، ۱۳۹۰: ج ۴، ۱۶؛ اسکینی، ۱۳۷۸: ۶۶ - ۷۰). مگر اینکه عرف چنین امتیازی را برای سند تجاری قائل شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۲ - ۳۳)؛ به‌ویژه اینکه در حقوق ایران تئوری انتقال محل پذیرفته نشده است (فخاری ۱۳۷۲: ۷۳). در واقع، لزوم رضایت طلبکار ناشی از این فرض است که ممکن است ابزارهای پرداخت جهت ایفای تعهد پولی، بنا به دلایلی، به پول تبدیل نشوند.^۲

به نظر می‌رسد قیاس پرداخت از طریق چک با انتقال بانکی وجه قیاس مع الفارق است. زیرا چک سند ذمه‌ای است؛ درحالی‌که انتقال وجه همان پرداخت پول است با این تفاوت که موضوع آن پرداخت به شکل اسکناس یا سکه نیست بلکه پول تحریری است و پول تحریری در واقع شکلی از پول است. زیرا یک ذخیره ارزش (واحدهایی از پول رایج) است که می‌تواند از یک حساب به حساب دیگری گردش و به مثابه وسیله پرداخت در معاملات عمل کند. به عبارت دیگر، اشخاصی که تسلیم چک را به منزله ایفای دین نمی‌دانند تبدیل شدن چک به پول تحریری (یعنی ریخته شدن وجه آن به حساب دارنده) را به مثابه ایفای دین می‌دانند.^۳

در مجموع به نظر می‌رسد انتخاب یکی از دو نظر یادشده در گرو دو وضعیت است: اول، تحلیل ماهیت حقوقی ایفای دین و دیگری، استیلای طلبکار بر وجه واریزی.

اگر وفای به عهد عمل حقوقی دوجانبه دانسته شود، طبیعتاً چنین ایفایی را باید طلبکار قبول کند تا وفای به عهد معتبر تلقی شود. در مقابل، چنانچه واقعه حقوقی محسوب شود رویدادی است که به محض تحقق اثر مطلوب خود را خواهد گذاشت. از سوی دیگر به فرض آنکه وفای به عهد واقعه حقوقی باشد تحقق آن مستلزم آن است که مال تحت اختیار طلبکار قرار گیرد؛ به نحوی که عرفاً متمکن از انحای تصرفات باشد. چنانچه وفای به عهد را عمل حقوقی دوجانبه ندانیم و برای اراده طلبکار در تحقق آن نقشی قائل نباشیم و همچنین با بستانکار شدن حساب بانکی طلبکار وی را عرفاً متمکن از انحای تصرفات بدانیم، به نظر می‌رسد واریز وجه به حساب بستانکار وفای به عهد محسوب می‌شود و موجب برائت ذمه بدهکار است؛ اگرچه بدهکار رضایت طلبکار را جهت استفاده از این شیوه در ایفای دین خویش جلب نکرده باشد.

برای اثبات امکان ایفای دین پولی از طریق واریز وجه به حساب بستانکار، بدون نیاز به جلب رضایت وی، لازم است دو فرضیه مقدماتی یادشده اثبات شود: اول اینکه در وفای به عهد اراده طلبکار نقشی ندارد. در این زمینه می‌توان گفت آنچه مطلوب است اجرای تعهد بر مبنای قرارداد یا قانون است و سقوط تعهد نیز نتیجه پدیده مادی اجرای تعهد است و نیازمند قصد انشا یا

1. Libyan Arab Foreign Bank V. Bankers Trust Co. (1989). TBS Bank of Scotland Ltd V. Welwyn Hatfield DC (1993), see The Legal Aspect of Money, Oxford 5th end, 1992, pp. 75-76.

۲. البته چنان که برخی از حقوقدانان داخلی (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۲) و خارجی (Good, 1983:20) بیان کرده‌اند، در صورت پذیرش ابزار پرداختی غیر از پول، تا زمانی که قابل پرداخت نبودن آن ابزار اثبات نشود، طلبکار حق ندارد از وصول وجه خود از این طریق خودداری و تقاضای وجه نقد کند.

۳. اسکناس و سکه تنها اسناد و ابزار نگهداری واحدهای پول رایج نیستند و اقتصاددانان به مرور دریافته‌اند که موجودی‌های حساب بانکی اشخاص نیز پول هستند. زیرا آن‌ها هم کارکردهایی همانند پول قانونی دارند. اصطلاح پول تحریری یا پول بانکی اشاره به موجودی حساب بانکی دارد و نه اسناد متنوعی مانند چک که امکان گردش پول تحریری را فراهم می‌کند (عبیدی‌پور فرد، ۱۳۸۹: ۷۰).

اهلیت اطراف تعهد نیست. لزوم قصد انشا و اهلیت در ایفای تعهد به تملیک هم ارتباطی به ماهیت وفای به عهد ندارد و مقتضای طبیعت تعهد است. همچنین لزوم اهلیت ایفاکننده در تسلیم مال کلی و لزوم اهلیت قبض در ایفاشونده نیز صرفاً در جهت حمایت از محجور است (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ج ۴، ۱۶ - ۱۸). دوم اینکه با بستانکار شدن حساب بانکی طلبکار وی متمکن از انحای تصرفات است. در این زمینه می‌توان گفت عرف معاملات پذیرفته است که انتقال وجوه، به‌ویژه وجوه کلان، از طریق نظام بانکی صورت پذیرد و انتقال پول تحریری به حساب طلبکار عرفاً طلبکار را متمکن از انحای تصرفات در آن می‌کند.^۱ صرف نظر از تحلیل فوق، ماده ۳۵ آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا مصوب ۱۳۸۷ و ماده ۶۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶^۲ به‌صراحت و به نحو مطلق پرداخت از طریق انتقال بانکی وجه و واریز وجه به حساب بانکی طلبکار را به منزله ایفای تعهد و موجب برائت ذمه بدهکار دانسته است.

به موجب م. ۳۵ آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا: «در مواردی که متعهد قبوض اداره دارایی و شهرداری را راجع به مالیات و عوارض قانونی و یا فیش بانکی که حاکی از تأدیة بدهی به حساب بانکی متعهدله باشد و یا حکم دادگاه را که مشعر بر برائت او باشد ارائه دهد، اداره ثبت یا اجرا باید وجوه پرداختی را محسوب و مفاد حکم را اجرا کند و در مورد فیش بانکی تأییدیه آن را از بانک بخواهد». به نظر می‌رسد ماده یادشده خصوصیت خاصی نداشته و در سایر پرداخت‌ها نیز قابل اجرا باشد. به عبارت دیگر، تنظیم‌کنندگان آیین‌نامه حکم عرف را به صورت مدون در آیین‌نامه آورده‌اند و آن را به یک قاعده تکمیلی بدل کرده‌اند. منتها تلقی واریز وجه، به عنوان وفای به عهد، بدون هیچ قید و دوازه اصل قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز به موضوع شیوه پرداخت توجه کرده است و به موجب بند ۱ از ماده ۷ - ۱ - ۶ «پرداخت می‌تواند به هر شکل متعارف در تجارت محل پرداخت انجام شود» و مطابق بند ۲ همین ماده «با وجود این، ذی‌نفع یک تعهد که مطابق با بند ۱ فوق یا به طور اختیاری چک یا هر حواله دیگر و یا تعهدی برای پرداخت را می‌پذیرد، اصل بر این است که به شرطی این کار را انجام می‌دهد که مبلغ چک، حواله، یا تعهد مزبور پرداخت می‌شود».

چنانچه انتقال بانکی وجه یک شیوه متعارف در محل پرداخت محسوب شود، متعهد می‌تواند تعهد خویش را از این طریق ایفا کند. منتها، مطابق بند ۲ از همین ماده، صرف پذیرش ابزار پرداخت‌های جایگزین پول موجب برائت ذمه متعهد نیست و برائت ذمه منوط به پرداخت است.

در خصوص موضع اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در قبال استفاده از شیوه انتقال بانکی وجه در ایفای تعهد پولی چند نکته قابل بیان است.

نکته اول اینکه برخی حقوقدانان (امینی، ۱۳۹۲: ۲۸) مدعی شده‌اند به رسمیت شناختن روش‌های پرداخت متعارف در محل پرداخت، مندرج در بند ۱ ماده ۷ - ۱ - ۶ به معنای الزام فروشنده نیست و وی باید راضی باشد که به روش پرداخت پیشنهادشده ثمن را دریافت کند. به این دیگاه اشکالاتی وارد است. اولاً اگر شیوه متعارف پرداخت نیز منوط به رضایت طلبکار باشد چه تفاوتی بین شیوه متعارف و غیر متعارف وجود دارد! بدیهی است استفاده از هر نوع ابزار پرداختی با رضایت طلبکار بدون اشکال است و چنین تفسیری تفکیک بند ۱ از بند ۲ ماده یادشده را لغو می‌کند. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد بند ۱ در مقام بیان حدود اختیار متعهد در نحوه ایفای تعهد پولی در فرضی است که طرفین بر شیوه معین و خاصی توافق نکرده‌اند. ثانیاً از بند ۲ همان ماده، که مقرر می‌دارد «ذی‌نفع یک تعهد که مطابق با بند ۱ یا به طور اختیاری ابزاری را برای پرداخت می‌پذیرد»، چنین استنباط می‌شود که اختیار متعهدله در پذیرش یا رد ابزار پرداخت منوط است که ابزار پرداخت پیشنهادی متعهد مشمول بند ۱ (ابزار پرداخت متعارف) نباشد. چنین تفسیری با مبانی حقوق داخلی ما نیز سازگار است. زیرا امر متعارف به منزله ذکر در عقد است (م. ۲۲۵ ق.م.) و امر متعارف بی‌نیاز از تصریح است و در صورتی که طرفین بخواهند خلاف عرف عمل کنند باید بر این امر توافق کنند؛ به‌ویژه اینکه در پرداخت‌های کلان استفاده از انتقال بانکی وجه متعارف‌تر از پرداخت نقدی است و اصرار به پرداخت نقدی

۱. برخی حقوقدانان پرداخت از طریق انتقال وجه را به‌صراحت در ردیف پرداخت نقدی و تسلیم چک بانکی تلقی کرده‌اند و طلبکار را ملزم به پذیرش آن می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۲).

۲. مطابق م. ۶۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ «... گواهی بانک دال بر انتقال وجه به حساب ذی‌نفع ... پرداخت محسوب می‌شود».

نامعقول است. ثالثاً ماده ۸ - ۱ - ۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی به صراحت بر امکان تأدیة ثمن از طریق انتقال بانکی وجه تصریح کرده است. مطابق بند ۱ ماده یادشده «پرداخت را می‌توان از طریق انتقال وجوه به هر یک از مؤسسات مالی که ذی‌نفع داشتن حسابی در آن‌ها را به اطلاع رسانده است انجام داد؛ مگر اینکه ذی‌نفع تعهد حسابی ویژه را معین کرده باشد».

نکته دوم اینکه در بند ۱ ماده ۸ - ۱ - ۶ امکان واریز وجه به حساب طلبکار ظاهراً با دو قید محدود شده است. قید اول اینکه داشتن حساب باید از طریق ذی‌نفع به اطلاع متعهد برسد. روشن است که اگر قائل به موضوعیت داشتن این قید شویم در واقع ممکن است این قید به منزله لزوم رضایت ذی‌نفع جهت استفاده از ابزار انتقال وجه استفاده شود. لیکن به نظر می‌رسد قید یادشده قید توضیحی و ناظر به مورد غالب است که بدهکار از طریق اطلاع‌رسانی خود ذی‌نفع به شماره حساب وی پی‌برد و این امر مانع از آن نیست که اگر بدهکار از طریق دیگری به شماره حساب طلبکار پی‌برد و به شیوه متعارف اقدام کند از دین بری‌الذمه نشود. بنابراین واریز وجه به حساب طلبکار رافع مسئولیت بدهکار است، خواه شماره حساب بانکی که وجه به آن واریز شده از طریق اطلاع‌رسانی ذی‌نفع به دست آمده باشد خواه به طریق دیگر. اما قید دوم در خصوص تعیین حساب بانکی ویژه از سوی ذی‌نفع قابل تفسیر است؛ بدین معنی که اگر حساب بانکی یادشده خصوصیت خاصی داشته باشد و متضمن منفعت عقلایی برای ذی‌نفع باشد ایفای دین باید الزاماً به همین حساب بانکی صورت گیرد. اما در صورتی که حساب اعلام‌شده خصوصیت خاصی نداشته باشد واریز وجه به سایر حساب‌های ذی‌نفع نیز اثر مطلوب را خواهد گذاشت و ذمه متعهد را بری خواهد ساخت. زیرا ملاک اصلی در این خصوص این است که وجه در اختیار طلبکار قرار گیرد؛ به نحوی که وی متمکن از انحاء تصرفات باشد. به فرض اینکه تحقق ایفای دین از طریق حواله بانکی مستلزم قبولی بستانکار باشد، ضروری نیست که این موافقت به صراحت در قرارداد پایه ذکر شده باشد. این قبولی ممکن است ضمنی باشد؛ مانند استفاده ذی‌نفع از وجه. نیز ممکن است مفروض تلقی شود؛ مانند عدم مخالفت با پرداخت از رهگذر واریز وجه و بستانکار شدن حساب ذی‌نفع. زیرا در جایی که مدیون برای پرداخت دین خود از وسایل متعارف استفاده می‌کند، که برای طلبکار زحمت و خطر خاصی ندارد و طلبکار در قرارداد پایه با آن مخالفت نکرده است، عرف^۱ مدیون را بری‌الذمه می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ج ۴، ۲۷).

مفاد بند ۲ و ۳ از بند «ب» ماده ۶ قانون نمونه نیز مؤید برداشت فوق است. طبق بند ۲ «هرگاه فرستنده در حسابی که به نام بانک دریافت‌کننده در نزد بانک دیگری است وجهی را واریز نماید که مورد استفاده بانک دریافت‌کننده قرار گیرد و یا اینکه یک روز از تاریخی که وجه قابل دسترسی بوده است گذشته و بانک دریافت‌کننده هم از آن مطلع باشد [پرداخت محقق شده تلقی می‌شود] و همچنین طبق بند ۳ «هرگاه تسویه نهایی به سود بانک دریافت‌کننده در بانک مرکزی که دریافت‌کننده در آنجا دارای حسابی است انجام گردد [پرداخت محقق شده تلقی می‌شود]».

ذکر امکان پرداخت از طریق انتقال بانکی وجه برای انتقال الکترونیکی آن کافی است. زیرا طبق بند «ب» ماده ۲ قانون نمونه، دستور پرداخت می‌تواند در هر شکلی صادر شود که شایع‌ترین آن انتقال در قالب وسایل الکترونیکی است. در شرایط معمولی هیچ‌یک از طرفین انتقال به استفاده از وسایل الکترونیکی در انتقال وجه اعتراض نخواهند کرد؛ به‌ویژه که در حواله بانکی از اسناد تجاری استفاده نمی‌شود. بنابراین مسائل حقوقی ناشی از تحصیل اسناد تجاری از طریق وسایل الکترونیکی هم مطرح نمی‌شود (Secretariat of the united nations, 1987: 13).

لزوم رضایت طلبکار به نحوه اجرا از طریق انتقال وجه

شیوه پرداخت بدهی تا جایی که به حقوق طلبکار آسیب وارد نکند در اختیار بدهکار است. چون اصولاً آنچه مهم است ایفای دین است و شیوه ایفا اصولاً تأثیری در حقوق طلبکار ندارد؛ به‌ویژه در جایی که بدهکار در جهت ایفای دین از شیوه متعارف استفاده می‌کند اشکالی به او وارد نیست. چون طبق حکم م. ۲۲۵ ق.م. امر متعارف به منزله ذکر در عقد است. با وجود این، پرداخت دین از طریق انتقال بانکی وجه ممکن است ابهاماتی در بر داشته باشد که به لحاظ حقوقی محتاج تحلیل و پاسخ مناسب است. اول اینکه انتخاب بانکی که وجه از طریق آن منتقل می‌شود از اختیارات بدهکار است یا نیاز به موافقت طلبکار دارد؟ دوم اینکه آیا

۱. م. ۲۲۵ ق.م. «متعارف بودن امری در عرف و عادت، به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد، به منزله ذکر در عقد است».

واریز وجه به هر یک از حساب‌های طلبکار رافع تعهد بدهکار است یا اینکه انتخاب حساب بانکی از حقوق طلبکار است؟ سوم اینکه واریز وجه به حساب طلبکار در صورتی که بدون رعایت شرایط لازم به عمل آید چه اثر حقوقی دارد؟

پیش از پاسخ به هر یک از پرسش‌های یادشده باید توجه کرد که یکی از عناصر و موضوعات اصلی دخیل در پاسخ به ابهامات پیش رو زمان انتقال ریسک ناشی از پرداخت بانکی از انتقال‌دهنده به انتقال‌گیرنده است. زیرا مادام که ریسک پرداخت بر عهده بدهکار است قاعدتاً باید اختیار انتخاب نیز با او باشد. برعکس، در جایی که می‌خواهد ریسک عدم پرداخت به طلبکار منتقل شود و ذمه بدهکار بری شود موافقت طلبکار با شیوه اجرایی لازم به نظر می‌رسد.

بنابراین در پاسخ به پرسش اول می‌توان گفت که انتخاب بانک صادرکننده و واسطه اصولاً در اختیار خود بدهکار است. چون ریسک عدم اجرای صحیح انتقال وجه از سوی بانک صادرکننده و واسطه با صادرکننده است، در مقابل، انتخاب بانک ذی‌نفع باید با موافقت طلبکار صورت گیرد. وگرنه صرف قبولی دستور پرداخت از سوی بانک ذی‌نفع را نمی‌توان رافع ذمه صادرکننده دانست. در پاسخ به پرسش دوم می‌توان گفت انتخاب حساب بانکی مقصد از حقوق و اختیارات طلبکار است. این قاعده در رویه قضایی انگلستان نیز پذیرفته شده است که در صورت داشتن حساب‌های متعدد در یک بانک طلبکار دارای اختیار است تا تعیین کند وجوه واریزی به حساب وی به کدام نوع و شماره حساب واریز شود. بدیهی است این تعیین در صورتی که متعهدله تنها یک حساب داشته باشد مفهومی نخواهد داشت.^۱ برخی نویسندگان حقوقی ایرانی حق تعیین حساب بانکی را ناشی از قاعده تسلیط و حقی که بستانکار بر طلب دارد دانسته‌اند و حتی بر این باورند که حق تعیین حساب تا سررسید دین برای متعهدله وجود دارد. بنا بر این نظر، طلبکار می‌تواند حسابی را که قبلاً جهت واریز به آن توافق شده است تغییر دهد (السان، ۱۳۹۰: ۹۷). با وجود این، به نظر می‌رسد تغییر یک‌جانبه مفاد قرارداد در صورتی ممکن است که به حقوق بدهکار خلل وارد نکند؛ وگرنه تغییر مفاد قرارداد محتاج توافق دو جانبه است. زیرا به فرض اینکه تعیین حساب بانکی از حقوق بستانکار باشد، در حقوق ایران، هر صاحب حقی می‌تواند از حق خود عدول کند، ولی، لزوماً امکان تغییر آن را ندارد. منتها در صورتی که وی تا قبل از ایفای تعهد از سوی متعهد اراده خویش را در این خصوص ابراز نکند موضوع تابع اوضاع و احوال و عرف است. در مجموع، در جایی که عرفاً تفاوتی بین حساب‌های بانکی طلبکار وجود ندارد واریز وجه به هر یک از حساب‌های طلبکار رافع مسئولیت بدهکار است؛ مشروط بر اینکه در چارچوب قرارداد باشد و شرط راجع به مکان پرداخت به نحو معقولی در آن رعایت شده باشد. بنابراین در صورتی که وجه در کشوری دیگر به حساب طلبکار واریز شده باشد که انتقال آن به محل پرداخت قراردادی مستلزم هزینه یا عملیات خاصی باشد که عرفاً قابل مسامحه نیست چنین پرداختی ایفای تعهد محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت همان‌طور که طلبکار بدون نیاز به جلب رضایت بدهکار می‌تواند طلب خود را منتقل کند و بدهکار مکلف است بدهی را به طلبکار جدید (منتقل‌الیه) پرداخت کند، تغییر شماره حساب هم بلامانع است و بدهکار متعهد است وجه را به شماره حساب جدید واریز کند؛ اعم از اینکه این حساب متعلق به خود طلبکار باشد یا شخص دیگری. منتها به شرط آنکه این تغییر تغییری در نحوه اجرای تعهد یا هزینه‌های آن ایجاد نکند. در پاسخ به پرسش سوم می‌توان گفت واریز وجه بدون رعایت شرایط موجب برائت ذمه بدهکار نمی‌شود. بنابراین اولاً در صورت ضمانت اجرای قراردادی نظیر امکان فسخ قرارداد طلبکار می‌تواند قرارداد را فسخ کند. ثانیاً به فرض اینکه تعهد طلبکار به استرداد وجه با تعهد بدهکار تهاتر شود ذمه بدهکار جهت هزینه‌های جابه‌جایی وجه مشغول باقی می‌ماند.

انطباق پرداخت با موضوع تعهد

شرط تحقق برائت ذمه بدهکار این است که وفای به عهد با موضوع تعهد انطباق داشته باشد؛ شرطی که در م. ۲۷۵ ق.م. به آن اشاره شده است. تعهد ممکن است ناظر به انجام دادن کاری یا خودداری از انجام دادن کاری باشد و تعهد به وفای به عهد از طریق پرداخت بانکی در صورتی امکان‌پذیر است که متعهدله پول باشد و ایفای تعهدات غیر پولی از طریق نظام پرداخت بانکی امکان‌پذیر نیست (السان، ۱۳۹۰: ۸۳).

وحدت زمان و مکان اجرای تعهد

زمان اجرای تعهد

تعهد باید در زمان مقرر انجام شود و اجرای همراه با تأخیر مطلقاً و اجرای همراه با تعجیل گاهی نقض تعهد قراردادی محسوب می‌شود. البته اگرچه اجرای همراه با تأخیر نقض تعهد محسوب می‌شود، اصولاً مانع برائت ذمه متعهد نسبت به اصل تعهد نیست و صرف‌نظر از ضمانت اجراهای قراردادی مستلزم پرداخت خسارت تأخیر است. زیرا تعهدات پولی نوعاً از مصادیق تعهداتی هستند که در آن‌ها اجرای اصل تعهد و زمان آن، هر دو، به نحو جداگانه مطلوب محسوب می‌شوند (تعدد مطلوب) و انقضای اجل تعهد اجرای متأخر و همراه با تأخیر را بی‌فایده نمی‌کند.

اما در خصوص اجرای پیش از موعد تعهد اختلاف نظر وجود دارد. به باور برخی حقوقدانان از مفاد م. ۶۵۱ ق.م. برمی‌آید که قانون فرض کرده است موعد اجرای تعهد به سود مدیون شرط شده و به همین جهت او الزامی به تأخیر وفای به عهد ندارد. این فرض مبتنی بر غلبه است و باید آن را در شمار اماره‌های قانونی آورد. ولی هرگاه از مفاد قرارداد چنین برآید که مدت به سود دو طرف یا طلبکار مقرر شده است مدیون نمی‌تواند آن را بر هم زند و اقدام به پرداخت پیش از موعد کند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۶۰). همچنین به باور برخی دیگر از حقوقدانان اجل حقی است برای متعهد و از آنجا که هر صاحب حقی می‌تواند حقی را اسقاط کند (م. ۲۴۴ ق.م. صفايي، ۱۳۸۷: ۱۴۰) بدهکار می‌تواند از اجل صرف‌نظر و تعهد را پیش از موعد اجرا کند.

در مقابل، از جمله دلایلی که در مخالفت با اجرای زود هنگام تعهد مطرح شده این است که بایع نیز در اجل تعهد ذی‌حق است و تکلیف نگهداری تا اجل بر عهده خریدار است (اصفهانی، ۱۴۱۸: ج ۵، ۳۴۱). همچنین ممکن است بایع در شهر غریبه باشد و اجبار وی به دریافت ثمن پیش از موعد در آن شهر ثمن را در معرض خطر راهزنان قرار دهد (موسوی خویی، ۱۴۱۷: ج ۷، ۵۶۵).

در مجموع، چنین به نظر می‌رسد که عدم وجوب قبول اجرای پیش از موعد ناظر به فرضی است که متعهدله نفع معقولی در زمان اجرا داشته باشد (جبعی عاملی، ۱۴۳۰: ج ۳، ۵۲۰). وگرنه دلیلی برای امتناع از پذیرش آن وجود ندارد و عرف تجاری نیز مؤید همین مطلب است؛ چنان که در بند ۱ از ماده ۵ - ۱ - ۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی چنین مقرر شده است: «ذی‌نفع تعهد می‌تواند اجرای پیش از موعد تعهد را رد نماید؛ مگر اینکه هیچ نفع مشروعی در انجام این کار نداشته باشد». البته کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در ماده ۵۲ به متعهدله اختیار داده است که اجرای پیش از موعد را نپذیرد. لیکن مفسران کنوانسیون اطلاق اختیار رد اجرای تعهد پیش از موعد از سوی متعهدله را محدود به رعایت حسن نیت (مندرج در م. ۷ کنوانسیون) و عرف و عادت تجاری (مندرج در م. ۹ کنوانسیون) کرده‌اند (Honnold & John, 2000: 458).

به‌رغم اختلافات گسترده میان حقوقدانان، در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش پیش از موعد یا دست‌کم اختلاف آن‌ها در خصوص مطابق قاعده بودن یا خلاف قاعده امکان اجرای پیش از تعهد، اکثر قریب به اتفاق حقوقدانان بر آن‌اند که اجرای پیش از موعد تعهدات پولی بدون اشکال است. زیرا اصولاً متضمن ضرری برای متعهدله نیست و حسن نیت اقتضا دارد که متعهدله از قبول آن امتناع نکند.^۱ بنابراین واریز به حساب بستانکار پیش از موعد مقرر بدون اشکال و رافع مسئولیت وی است؛ اگرچه بانک پس از واریز وجه و پیش از سررسید دین ورشکست شود.

مکان اجرای تعهد

علاوه بر لزوم رعایت زمان اجرای تعهد، لازم است تعهد در مکان موعود اجرا شود و ایفای تعهد در مکانی غیر از مکان توافق شده ممکن است مانع تحقق وفای به عهد شود. بنابراین این سؤال قابل طرح است که اگر شخصی متعهد شود صد هزار مارک در آلمان به متعهدله تحویل دهد و همین مبلغ را به حساب بستانکار در تهران واریز کند آیا واریز وجه رافع مسئولیت وی خواهد بود؟

۱. مهم‌ترین محدودیت در امکان ایفای زود هنگام تعهدات پولی تعهد همراه با بهره است. به همین دلیل برخی از حقوقدانان اعتبار اجرای پیش از موعد تعهدات پولی را مشروط کرده‌اند که بر مطالبه بهره پولی اثری نداشته باشد (Ole Lando, 2000: 334).

طبق م. ۲۸۰ ق.م. مقنن ایرانی در خصوص تعهدات پولی حکم خاصی را وضع نکرده است. در نتیجه به نظر می‌رسد در فرض سکوت راجع به محل پرداخت محل انعقاد عقد ملاک باشد؛ مگر اینکه متعهد یا متعهدله ادعای وجود عرف خلاف داشته باشد که محتاج دلیل و اثبات است. در مقابل، در بند «الف» بند ۱ ماده ۶ - ۱ - ۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی چنین مقرر شده است: «تعهد پولی باید در محل تجاری ذی‌نفع تعهد انجام شود». این در حالی است که مطابق بند «ب» همین مقرر «در فرض سکوت طرفین در تعیین مکان اجرای تعهد، تعهد باید در محل تجاری متعهد انجام شود». بنابراین در خصوص محل ایفای تعهد، برخلاف قانون مدنی ایران، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی میان تعهدات پولی و غیر پولی قائل به تفکیک شده است و تعهدات پولی را از قاعده عمومی راجع به مکان ایفای تعهد استثنا کرده است.

نکته قابل توجه در خصوص ایفای تعهدات پولی از طریق واریز وجه به حساب بانکی این است که به دلیل اتصال حساب‌های بانکی یک شخص در یک بانک گاهی هیچ تفاوتی در محل ایفای تعهد و واریز وجه وجود ندارد. زیرا، حساب طلبکار بستانکار شده و با مراجعه به هر شعبه‌ای از آن بانک یا حتی بدون مراجعه فیزیکی و صرفاً از رهگذر درگاه الکترونیکی به حساب خود و موجودی آن دسترسی دارد و می‌تواند در آن دخل و تصرف کند.

در واقع آنچه غالباً در انتقال بانکی وجه مهم است بستانکار شدن حساب بانکی طلبکار است و شیوه و روش آن اهمیتی ندارد؛ مگر اینکه پول به حسابی واریز شود که طلبکار در محل تجاری خویش به آن دسترسی نداشته باشد. بند ۱ م. ۸ - ۱ - ۸ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز مؤید همین برداشت است.

مطابق مقرره یادشده، پرداخت را می‌توان از طریق انتقال وجوه به هر یک از مؤسسات مالی، که ذی‌نفع داشتن حسابی در آن‌ها را به اطلاع رسانده است، انجام داد؛ مگر اینکه ذی‌نفع تعهد حسابی ویژه را معین کرده باشد. بنابراین، در مواردی که پرداخت از طریق واریز وجه به حساب بانکی متعهدله صورت می‌گیرد نیازی به رعایت بند ۱ ماده ۶ - ۱ - ۶ در خصوص اینکه ایفا باید در محل تجاری ذی‌نفع صورت بگیرد وجود ندارد. به عبارت دیگر بند ۱ م. ۶ - ۱ - ۶ به وسیله بند ۱ ماده ۸ - ۱ - ۶ تخصیص خورده است. منتها باید توجه داشت که گاه ممکن است پول به حساب بانکی کشوری واریز شود که خارج کردن پول از آن کشور به کشور دیگر با محدودیت همراه باشد و طبیعتاً پرداخت ثمن در این کشورها برای فروشنده‌ای که عمده فعالیت تجاری‌اش در یک کشور دیگر است ممکن است مطلوب نباشد (Honnold, 2000: 415).

با توجه به آنچه آمد، در مقام پاسخ به پرسش اولیه می‌توان گفت در انتقال بانکی وجه اگر پول در اختیار طلبکار قرار گیرد ایفای تعهد به نحو کامل صورت گرفته است؛ ولو اینکه پول به حسابی واریز شود که منطبق با مکان ایفای تعهد نیست. اما، در صورتی که وجه در حسابی واریز شود که متفاوت از محل ایفای تعهد است و طلبکار امکان استفاده از آن وجوه را به نحو مطلوب نداشته باشد ایفای تعهد به نحو صحیحی صورت نگرفته است.

بر این اساس، انتقال بانکی وجه فرایندی است که به موجب آن صادرکننده دستور پرداخت از طریق بانک وجوهی را در اختیار ذی‌نفع آن قرار می‌دهد که تحقق این فرایند با انعقاد قرارداد میان صادرکننده دستور پرداخت و بانک پذیرنده آن شروع می‌شود و صادرکننده متعهد می‌شود که مبلغ دستور پرداخت و کارمزد آن را به بانک پرداخت کند و در مقابل بانک پذیرنده متعهد می‌شود وجه را مطابق مندرجات دستور پرداخت در اختیار ذی‌نفع قرار دهد.

هدف از انتقال وجه ممکن است پرداخت یک دین، دادن قرض، بخشش، یا تهیه یک اعتبار برای خود انتقال‌دهنده در مکانی دیگر باشد. در صورتی که از سازوکار انتقال بانکی وجه به منزله وسیله اجرای تعهد استفاده شود، وفای به عهد در قالب انتقال بانکی وجه و در نتیجه برائت ذمه صادرکننده دستور پرداخت (بدهکار) از دین پایه‌ای که نسبت به ذی‌نفع دستور پرداخت (طلبکار) دارد منوط است به اینکه اولاً صادرکننده به ذی‌نفع مدیون باشد، وگرنه اصولاً چنین پرداختی مشمول عنوان ایفای ناروا می‌شود. ثانیاً پرداخت از طریق انتقال بانکی وجه به شیوه متعارف یا با رضایت طلبکار صورت گیرد. بنابراین در صورتی که پرداخت از طریق حواله بانکی به عنوان وسیله متعارف ادای دین پذیرفته شود و شیوه استفاده از این روش هم متعارف باشد تحقق برائت ذمه نیازی به رضایت طلبکار ندارد و وی ملزم به پذیرش چنین پرداختی است. ثالثاً پرداخت با دین پایه مطابقت داشته باشد. منتها این شرط مصون از استثنا باقی نمانده است و در بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است که تعهد پولی می‌تواند

علاوه بر ارز توافق شده به واحد پولی محل پرداخت ادا شود. انتقال بانکی وجه با جمع شرایط لازم اصولاً بدهکار را از زمانی که بانک ذی نفع دستور پرداخت را قبول کرده است بری الذمه می کند، حتی اگر هنوز حساب طلبکار بستانکار نشده باشد.

نتیجه

انتقال الکترونیکی و بانکی وجه، امروزه، رایج ترین ابزار پرداخت در سیستم ملی و بین المللی است. در همین زمینه دولت ها سعی در تدوین قانون نمونه کرده اند که از جمله آن تدوین قانون نمونه در خصوص انتقال های بین المللی اعتبار در سال ۱۹۹۲ بوده است. منظور از انتقال وجه مجموعه ای از تراکنش هایی است که با دستور پرداخت صادر کننده جهت پرداخت وجه مندرج در آن به ذی نفع آغاز می شود و با قبول دستور پرداخت از سوی بانک ذی نفع پایان می یابد. به موجب یافته های تحقیق، اصل بر امکان ایفای تعهد از طریق انتقال بانکی وجه است؛ مگر اینکه خلاف آن در قرارداد تصریح شده باشد. همچنین ثابت شد اجرای کامل و صحیح فرایند انتقال بانکی وجه با هدف وفای به عهد هر چند رافع مسئولیت بانک است، ملازمه ای با برائت ذمه بدهکار ندارد. زیرا در سقوط تعهد، بیش از آنکه اعتبار قرارداد انتقال بانکی وجه مهم باشد، تحقق مادی انتقال وجه مهم است. بنابراین زوال فرایند انتقال بانکی وجه در صورتی مانع تحقق ایفای دین و برائت ذمه است که انتقال وجه صورت نگیرد.

متقین در عرف معامله ای این است که پول وسیله نهایی سقوط تعهدات پولی است. ایفای دین نه تنها از طریق آن امری پذیرفته شده و قانونی است، پذیرش آن از سوی طلبکار اجباری تلقی می شود. اما، در مقابل، استفاده از ابزارهای جایگزین پول، نظیر چک و برات، اصولاً محتاج جلب رضایت طلبکار است. زیرا ابزارهای جایگزین پول دارای همه خصوصیت پول نیست.

منابع

- اسکینی، ربیعا (۱۳۷۸). حقوق تجارت - برات، سفته، و ... چک. تهران: سمت.
- اصفهانى، محمدحسین (۱۴۱۸ ق). حاشیه‌المکاسب. تهران: نورالهدی. جلد پنجم.
- السان، مصطفی (۱۳۹۰). حقوق پرداخت‌های بانکی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی (بانک مرکزی).
- امامی، سید حسن (۱۳۹۴). حقوق مدنی. تهران: اسلامیه. جلد اول.
- امینی، سید ابراهیم (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی شیوه پرداخت و تعیین ثمن در حقوق ایران؛ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین. مطالعات حقوق تطبیقی، د ۴، ش ۱.
- بنایاسری، ماشاءالله (۱۳۸۹). اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌های بانکی. رساله دکتری حقوق خصوصی. دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. استاد راهنما: حمیدرضا نیک‌بخت.
- جبی عاملی، زین‌الدین (۱۴۳۰ ق). الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه. قم: مجمع الفکر الاسلامی. جلد سوم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۵). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۰). حقوق مدنی (سقوط تعهدات). تهران: مجد. جلد پنجم.
- صالحی مازندرانی، محمد و بیات، فرهاد (۱۳۹۳). تبیین ماهیت حقوقی انتقال اعتبار از طریق نظام بانکی. پژوهش حقوق خصوصی، س ۲، ش ۶.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۷). حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فخاری، امیرحسین (۱۳۷۲). در صورتی که برات‌دهنده ورشکست شود، آیا دارنده برات به عنوان طلبکار ممتاز شناخته می‌شود؟ تحقیقات حقوقی، ش ۱۳ و ۱۴.
- عبدی‌پور فرد، ابراهیم (۱۳۸۹). تحلیل ماهیت حقوقی پول الکترونیکی. حقوق خصوصی، س ۷، ش ۱۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). قواعد عمومی قراردادها. تهران: شرکت انتشار و بهمن. جلد چهارم.
- _____ (۱۳۷۶). عقود معین. تهران: شرکت انتشار و بهمن. جلد چهارم.
- _____ (۱۳۷۰). حقوق مدنی، ضمان قهری - مسئولیت مدنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۹۹). توجیه و نقد رویه قضایی. تهران: بنیاد حقوقی ایران.
- معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی - وزارت بازرگانی (۱۳۸۴). انتقال الکترونیکی وجوه و بانکداری الکترونیکی. تهران: سی‌زان.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ ق). مصباح الفقاهه. تهران: انصاریان. جلد هفتم.
- Abdi-Pour Fard, E. (2010). Analysis of the Legal Nature of Electronic Money. *Journal of Private Law*, University of Tehran, Seventh Year, No. 16. (in Persian)
- Alelio, E. & Collins, J. (1996). *Electronic under Current Law Computer Law Associatin*.
- Alsan, M. (2011). *Bank Payment Laws*. Tehran: Monetary and Banking Research Institute Publications (Central Bank). (in Persian)
- Amini, S. E. (2013). A Comparative Study of Payment Methods and Pricing in Iranian Law; Principles of International Trade Agreements and the 1980 Vienna Convention on the International Sale of Goods. *Journal of Comparative Law Studies*, No. 2, Issue 1. (in Persian)
- Bana-Niasri, M. (2010). Letters of Credit and Bank Guarantees. doctoral dissertation in private law Faculty of Law. Shahid Beheshti University. under the guidance of Hamidreza Nikbakht.
- Brindle, M. & Cox, R. (1999). *Law of Bank Payments*. Second Edition. [London: Sweet & Maxwell, 1vi, 605, (Appendices) 35 and (Index) 29.
- (2004). *Law of Bank Payments*. London: Sweet and Maxwell.
- Cranston, R. (2003). *Principles Of Banking Law*. Oxford University.
- Deputy of Planning and Economic Affairs-Ministry of Commerce (2005). *Electronic funds transfer and electronic banking*. Tehran: Si Zan Publications. (in Persian)
- Dodd, J. C. & Hernandez, J. A. (1998). Contracting in Cyberspace. *Computer Law Review and Technology Journal*.
- Ellen D'Alelio & Collins, J. (1996). *Electronic Cash under Current Banking Law*. Computer Law Association.
- Ellinger, L. (2016). *Modern Banking Law*. Oxford pub.
- Emami, S. H. (2015). *Civil Law*. Tehran: Islamic Publications. Vol. 1. (in Persian)
- Enderlein (1997). *International sales law*. Oceana Publication.
- EXPLANATORY Note by the UNCITRAL Secretariat on the Model Law on International Credit Transfer (1991)s, A/CN.9/ 346, Reproduced in UNCITRAL, Yearbook, Vol. XXII.

- F. A. Mann (2015). *The Legal Aspect of Money With Special Reference to Comparative Private and Public International Law*. Fifth Edition.
- Fakhari, A.H. (1994). If your lender goes bankrupt, will your holder be recognized as a privileged creditor?. *Journal of Legal Research*, No. 13 & 14, Fall 1993 to summer. (in Persian)
- Geva, B (2011). *Model Law on International Credit Transfer and M-Payments: Do They Match?*. UNCITRAL Colloquium on Electronic Commerce, 14-16 February 2011.
- Good, R. (1983). *Payment Obligation in Commercial and Financial Transactions*.
- Gronston, R. (2007). *Principles of Banking Oxford University Law*. Second Edition Press.
- Honnold, J. & Harry, M. F. (2009). *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention*. Publisher Kluwer Law International Netherland.
- International Credit Transfer (1991). *Comments On the draft UNCITRAL Model Law on International Credit Transfer*. report of the Secretary-General (A/CN.9/346).
- Isfahani, M.H. (1997). *Hashieh al- Makaseb*. Tehran: Noor Al-Huda Publications. Vol. 5. (in Arabic)
- Jabai Ameli, Z. (2008). *Al-Rawdha al-Bahiyya fi Sharh al-Lama'ah al-Damashqiyyah*. Qom: Majma 'al-Fikr al-Islami. Vol. 3. (in Arabic)
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (2006). *Legal terminology*. Tehran: Ganj Danesh.
- Katozian, N. (2020). *Justification and Critique of Judicial Procedure*. Tehran: Iran Legal Foundation. (in Persian)
- (1991). *Civil Law, Coercive Guarantee-Civil Liability*. Tehran: University of Tehran. (in Persian)
- (1997). *Special Contracts*. Tehran: Publishing and Bahman Company. Vol. 4. (in Persian)
- (2006). *General Rules of Contracts*. Tehran: Publishing Company and February. Vol. 4. (in Persian)
- Mousavi Khoei, S. A. (1996). *Mesbah al-Fiqha*. Tehran: Ansarian Publication. Vol. 7. (in Arabic)
- Ole Lando & Hugh Beale. *The Principles of European Contract Law*. Parts I & II. 1st Edition by The Commission On European Contract Law.
- Safaei, S. H. (2008). *International Sale Law with Comparative Study*. Tehran: Tehran University Press. (in Persian)
- Salehi Mazandarani, M. & Bayat, F. (2013). Explaining The Legal Nature Of Credit Transfer Through The Banking System. *Private Law Research Quarterly*, Second Year, No. 6.
- Sanhori, A.R. (1970). *Al-Wasit Fi Sharh Qanun Al-Madani Al-Jadid*. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi. Vo. 2. (in Arabic)
- Shahidi, M. (2011). *Civil Law (Fall of Obligations)*. Tehran: Majd Publications. Vol. 5. (in Persian)
- Sir Roy Goode (2016). *Goode on Payment Obligations in Commercial and Financial. Tra Hardcover-January*.
- Skini, R. (1999). *Commercial Law, Barat, promissory note, etc. Check*. Tehran: Samat Publications. (in Persian)
- Sydney, B. (1964). *The Secretariat of the United Nations Hardcover-Import*. January 1.